

(فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أَولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْآلِبَابِ) (۱)
 مژده ده بندگان مرا که گفتار را گوش می دهند و بهترینش را پیروی می کنند. آنانند که خدا آنان را راهنمائی نمود و آنها خردمندانند
 ((نبوت ها را خوار شمارید. همه چیز را تحقیق کنید و به آنچه نیکوست متمسک باشید)) (۲)

مقدمه

هنگامیکه جمهوری اسلامی در ایران استقرار و تسلط یافت ، گروهی که سالها بدون دلیل نسبت به بهائیان در دل کینه و دشمنی داشتند ، فرصت و موقعیت به دست آوردند و به آزار و زندان و قتل و مصادره اموال عدّه ای از بهائیان پرداختند و افرادی را مجبور به جلای وطن کردند. چند نفری نیز شروع به نگارش کتاب ردیه بر علیه دیانت بهائی و مقدسات آن نمودند و کینه های دیرینه خود را با انتشار سخنانی عاری از حقیقت در لحنی آمیخته با تحقیر و توهین آشکار کردند.

از جمله در سه سال پی در پی سه کتاب زیر را انتشار دادند:

۱- در سال ۱۳۷۹ شمسی کتاب (ماجرای باب و بها) در ۲۴۱ صفحه توسط آقای مصطفی حسینی طباطبائی.

۲- در سال ۱۳۸۰ شمسی کتاب (بهائیت در ایران) در ۳۲۴ صفحه توسط آقایان دکتر سید سعید زاهدانی و محمد علی سلامی با عنوان (طرح و تدوین انقلاب اسلامی) مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۳- در سال ۱۳۸۲ شمسی کتاب (تاریخ جامع بهائیت) در ۷۲۰ صفحه توسط آقای بهرام افراسیابی.

در هر سه کتاب موارد و مطالب و شیوه مشترک زیر مشاهده می شود:

اولاً- به جای اینکه خود به مطالعه کتاب های بهائیان پردازند و شخصاً تحقیق کنند، بیشتر به نوشته های دیگران که خالی از غرض و یا عاری از اشتباه نبوده اند استناد و استشهاد کرده اند. مثلاً نوشته اند: "یوسف فضائی چنین گفته است. محمد رضا فشاهی اینگونه اظهار نظر کرده و یا احمد کسروی چنین اشاره نموده و محمد کاتوزیان این طور گفته است. و اسماعیل رائین چنین نظر داده و سید محمد باقر نجفی چنین بیان نموده و یا دکتر آدمیت در تاریخ چنین نگاه داشته است. و آقای بهرام افراسیابی برای اینکه کتابی قطور تر ارائه دهد اراجیف سه نفر مطرود جامعه بهائی: آواره ، صبحی ، و نیکو را ستوده و فحاشی ها و مفتریاتشان را پسندیده و نقل و تکرار نموده است.

ثانیاً- مطالبی که از کتب بهائی نقل کرده اند اغلب درست و کامل نیست. یا مغلوط است یا ناقص و یا استنباط و تعبیرشان نا صواب مشاهده می شود.

ثالثاً- سخنان و اتهاماتی را از کتاب ها و ردیه های سابق ، تکرار کرده اند که پاسخ آن قبلاً داده شده و بطلانشان مسلم گشته است مانند: جاسوسی برای دولت های روسیه و انگلیس و حال اسرائیل و امریکا و فرانسه را نیز به آن افزوده اند.

رابعاً- در هر سه کتاب لحن گفتار آقایان مؤلف با تحقیر و استهزاء آمیخته است. گویا آیات و تعالیم قرآن کریم را فراموش کرده اند که به تکرار استهزاء کنندگان را مذمت فرموده و خداوند به رسول خدا که مورد استهزاء جهال واقع می گردید می فرماید: " **و لقد استهزئ برسلك من قبلك** " (۱) مردم نسبت به رسولان قبل از تو نیز استهزاء می کردند.

این شیوه مردم نادان است و برای رفع ناراحتی و دلتنگی پیامبر ، خداوند می فرماید:

" انا كفيّناك المستهزئ نين " (۱) پشتیبانی و حمایت ما در برابر استهزاء نادانان ترا کفایت می کند. و اکثر مستهزئین پیامبر در جنگ بدر کشته شدند. از آن جمله ابوجهل و رفقاییش بودند که پیامبر فرمان قتل آنان را صادر فرمود.^۱ اما در دیانت بهائی حضرت بهاء الله می فرمایند:

" ای سلمان ... بر احبّای حق القا کن که در کلمات احدی به دیده اعتراض ملاحظه نمائید. بلکه به دیده شفقت و مرحمت مشاهده کنید ، مگر آن نفوسیکه الیوم در ردّ الله الواح ناریه نوشته ، بر جمیع نفوس حتم است که بر ردّ من ردّ علی الله آنچه قادر باشند. بنویسند ... چه که الیوم نصرت حق به ذکر و بیان است نه به سیف و امثال آن " (۲)

ابتدا کتاب ردّیه (بهائیت در ایران) را دوستی مسلمان از ایران برای یکی از دوستان فرستاد و تقاضای پاسخ کرد. ایشان برای بنده فرستاد و پیشنهاد جواب فرمود ، بنده نیز طبق نص مبارک که می فرمایند:

((بر جمیع نفوس حتم است که بر ردّ من ردّ علی الله آنچه قادر باشند بنویسند)) .

در اپریل ۲۰۰۳ با توجه و توکل به تائید الهی شروع به نوشتن پاسخ نمود در شرف اتمام بودم که کتاب دوّم : (ماجرای باب و بهاء) به وسیله پست رسید و سپس کتاب سوم : (تاریخ جامع بهائیت) دریافت شد .
در هر سه کتاب مطالب شبیه و تکراری زیاد دیده می شود سعی شده پاسخ ها تکرار نشود. ولی در بعضی مطالب برای روشن شدن مسائل ، توضیح بیشتر داده شده و گاهی نیز لزوماً تکرار شده است.

خامساً - بعضی از مطالب را که نوشته و نسبت به حضرت باب داده اند از آثار ایشان نیست بلکه دشمنان عباراتی را ساخته و احکامی را ترتیب داده و به حضرت باب نسبت داده اند که در متن کتاب ذکر شده است.

سادساً - به قول جناب ابوالفضائل: " سیل امر الهی را خاشاک رسائل اعتراض از سرعت جریان باز نداشته و نفوذ کلمه الله را ایراد و انتقاد عباد مانع نشده بل لازال ایراد و انتقاد موجب بصارت و محرک تحقیق ارباب استعداد گشته و هبوب اریاح معارضت سبب مزید اشتعال نار هدایت شده. " (۱)

رفتار مردم با پیامبران

در ظهور هر پیامبری بدون استثنا گروهی از مردم به آنان گرویدند و در پیروی و انتشار امرش از ایثار جان و مال دریغ نداشتند. گروهی نیز به تکذیب و انکار و آزار و استهزا پرداختند حتی برای محو آن کوشیدند ولی در پایان پیامبران و پیروان آنان پیروز گشتند و مکذبان و مخالفان مغلوب و معدوم شدند.

خداوند در قرآن کریم برای تذکر و تنبّه بشر در باره این موضوع مهمّ اکثر سوره شعرا را بدین مطلب اختصاص داده است. در ابتدای سوره می فرماید:

" و ما یاتیهم من ذکر من الرّحمن محدثاً الا کانوا عنه معرضین فقد کذبوا فسیاتیهم انبوءاً ما کانوا به یستهزون " (۱)

مضمون به فارسی می فرماید: ذکر و آیاتی تازه از نزد پروردگار برای مردم نمی آید مگر آنکه از آن روی برمی گردانند و تکذیب می کنند. بزودی اخبار آنچه را که ریشخند می کردند خواهند شنید.

سپس در دنباله این آیه برای اثبات مطلب، داستان هفت پیامبر را بیان می فرماید و سخنان و عکس العمل و رفتار مردم را که شبیه یکدیگر است توضیح می دهد.

اول - حضرت موسی و مأموریت و رفتارش با فرعون و مخالفتش را تا پایان ذکر می فرماید که گفتند: " هذالساحر علیم " (۲) یعنی: این مرد ساحری دانا است.

دوم - حضرت ابراهیم و رسالتش و رفتار مردم ((قالوا بل وجدنا ابائنا

كذلك يفعلون)) گفتند: ما یافتیم پدران خود را که چنین می کردند (۱)

سوم - حضرت نوح و سرگذشتش و پایان مخالفت مردم حتی گفتند اگر از این

کار دست برداری سنگسار خواهی شد

((قالوا لنن لم تنته يا نوح لتكونن من المرجومين)) (۲)

چهارم - هود و قومش که گفتند: ((سواء علينا أوعظت أم لم تكن من

الواعظين)) (۳) برای ما یکسان است. خواه پند دهی و یا نباشی از پند

دهندگان

پنجم - صالح که قوم ثمود را پند می داد در برابر او را از سحرشده گان گفتند و

بشری مثل خود دانستند: " وقالوا انما انت من المسحرين ١٥٤ ما انت الا

بشرٌ مثلنا. " (۴) و گفتند تو از سحر شدگانی، نیستی تو مگر بشری مانند ما.

ششم - لوط و قومش، وقتیکه به آنان گفت: " فاتقوا الله و اطيعون " از

خدا بترسید و مرا پیروی کنید. گفتند: " لنن لم تنته يا لوط لتكونن من

المخرجين " (۵) اگر به این سخنان پایان ندهی از این شهر اخراج خواهی شد.

هفتم - شعیب و قومش اصحاب ایکه وقتی به آنان گفت: " فاتقوا الله و

اطيعون (۶) از خدا بترسید و مرا پیروی کنید. گفتند: " انما انت من

المُسحرين " (۷) تو از سحر شدگانی

" و ما انت الا بشرٌ مثلنا و ان نظنك لمن الكاذبين " (۸) تو بشری مانند

مائی و گمان داریم که تو از دروغگویانی.

در این ظهور جدید این سنت دیرین تکرار شد و آیات شریفه قرآن مجید تاکید و

تائید گردید. می فرمایند:

" كما بدا كم تعودون فر يقاً هدي و فر يقاً حق عليهم الضلالة انهم اتخذ

والشياطين اولياء من دون الله " (۹) به گذشته باز خواهید گشت،

۱-قرآن ۷۵/۲۶ ۲-ایضاً ۱۱۷/۲۶ ۳-ایضاً ۱۳۷/۲۶ ۴-ایضاً ۱۵۵/۲۶ ۵-ایضاً ۱۶۸/۲۶ ۶-ایضاً ۱۸۰/۲۶

۷- ایضاً ۱۸۵/۲۶ ۸- ایضاً ۱۸۷/۲۶ ۹- ایضاً ۲۸/۷ و ۲۹

گروهی گرویدند و راه یافتند و گروهی سزاوار گمراهی اند. برای اینکه به جای پیروی از فرستاده خداوند شیطان‌ها را دوستان خود گرفتند "وَّيَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ" و گمان می‌کنند که آنان از راه یافته گان راه حقیقتند.

باید معنی واقعی شیطان توضیح و تحقیق شود.

وجود شیطان

شیطان موجودی عجیب و غریب نیست. در وجود هر انسانی اگر صفاتی مانند: تنفر از دیگران و نفاق و مردم آزاری و حيله و دورویی و تجاوز به حق دیگران و بسیاری از صفات ناپسند دیگر پیدا شد، او شیطان است در هر هیئت و لباس و مقام که باشد. در کتاب های آسمانی، اشاراتی به آن شده که می توان به این مفهوم و این کلمه پی برد، و گاهی در باره این مفهوم کلمه دیو یا اهریمن بکار رفته.

۱- رساله اول یوحنا نبی در انجیل فرموده است: " کسیکه گناه می کند از ابلیس است زیرا که ابلیس از ابتدا گناهکار بوده است و از این جهت پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد. هر که از خدا مولود شده است گناه نمی کند ... فرزندان خدا و فرزندان ابلیس از این ظاهر می گردند." (۱)

حضرت مسیح اندیشه های نادرست و بد را شیطان گفته است، چنانچه هنگامیکه پطرس حضرت مسیح را خواست از شهادت منع کند، او برگشته به پطرس گفت:

" دور شو از من ای شیطان زیرا که باعث لغزش من می باشی زیرا نه امور الهی را بلکه امور انسانی را تفکر می کنی" (۲)

و نیز حضرت مسیح خطاب به حواریون فرمود: " آیا من شما دوازده را برنگزیدم و حال آنکه یکی از شما ابلیسی است و این را در باره یهودا پسر شمعون اسخریوطی گفت، زیرا او بود که می بایست تسلیم کننده وی بشود و یکی از آن دوازده بود." (۳)

۲- در قرآن کریم اخلاق بد را علامت شیطان فرموده است:

" هل أنبئكم علي من تنزل الشياطين؟ تنزل علي كل أفاك ائيم" (۱)
یعنی: آیا خبر دهم شما را که شیطان ها بر چه کسانی فرود می آیند؟ بر هر دروغگوی گناهکار.

و نیز آنچه و آنکه سبب تفرقه و دشمنی بین مردم گردد قرآن کریم شیطان نامیده، می فرماید: " انما يريد الشيطان أن يوقع بينكم العداوه والبغضاء" (۲)

شیطان می خواهد بین شما کینه و دشمنی بیافکند. و منافقین را نیز قرآن مجید شیطان نامیده چنانچه در سوره بقره می فرماید:

" و اذا لقوا الذين امنوا قالوا امنا و اذا خلوا الي شياطينهم قالوا انا معكم انما نحن مستهزون" (۳) یعنی: هنگامیکه منافقین مومنین را ملاقات می کنند ، می گویند: ما گرویدیم ، اما وقتی که با رفقای شیاطینشان خلوت می کنند می گویند: ما با شما ایم آنان را مسخره می کردیم .

شیطان را عزازیل نیز گفته اند و حضرت بهاء الله در باره آن می فرمایند:

" صد هزار عزازیل از اعمال خود انسان ظاهر می شود. چه اگر ناس به تعلیمات الهی تمسک نمایند و رفتار کنند اثری از عزازیل در ارض نماند. اختلافات ارض و نفاق و جدال و محاربه و امثال آن سبب ظهور عزازیل است و محل سلطنت او" (۴)

حتی می فرمایند: "عالمی که جز نزاع و جدال و فساد در او امری ظاهر نه او مقر عرش عزازیل است".

و نیز حدیثی از حضرت رسول اکرم نقل شده که فرموده اند: " يوشك ان يظهر فيكم الشياطين ... يصلون معكم في مساجدكم و يقرءون معكم القرآن و يجادلونكم في الدين و انهم شياطين في صور الانسان . " (۵) یعنی بزودی در بین شما شیاطین ظاهر می شوند ، با شما نماز می خوانند در مساجد شما و با شما قرآن می خوانند و در باره دین با شما مجادله می کنند . آنان شیطان هائی به صورت انسانند .

فردوسی علیه الرحمه در باره دیو که همان شیطان است در شاهنامه پندهای
بوذرجمهر به نوشیروان فرموده است:

تو مردیو را مردم بد شناس کسی کو ندارد ز یزدان سپاس
هر آن کو گذشت از ره مردمی ز دیوان شمر نشمرش آدمی
ده اهریمنند آن به نیروی شیر که دارند جان و خرد را به زیر

بدو گفت کسری که ده دیو چیست

کز ایشان خرد را بیاید گریست

چنین داد پاسخ که آزو نیاز دو دیوند با زور و گردن فراز

دگر خشم و رشک است و ننگ است و کین

چو نَمّام و دو روی نا پاک دین

دهم آنکه از کس ندارد سپاس به نیکی و هم نیست یزدان شناس

بدو گفت از این شوم ده پرگزند کدام است اهریمن زورمند؟

چنین داد پاسخ به کسری که آز ستمکار دیوی بود دیر ساز

که او را نبینی تو خشنود هیچ همه در فزونیش باشد بسیج

شخص آزمند نمونه ای از جهنم است که در قرآن کریم در وصفش فرموده است:

" یوم نقول لجهنم هل امتلئت و تقولُ هل من مزید " (۱) روزی که گوئیم

به دوزخ: آیا پر شدی، گوید آیا زیادتر هست؟

چه نیکو فرموده است مولوی:

دوزخ است این نفس و دوزخ اژدهاست کو به دریاها نگردد کم و کاست (۲)

عالمی را لقمه کرد و در کشید معده اش نعره زنان "هل من مزید" (۳)

پیامبران گذشته مخصوص قوم و ملّتی خاص بودند

همواره خداوند متعال برای راهنمایی هر قوم و ملّتی فردی را از بین آنان برانگیخته است. چنانچه آیه شریفه در سوره فاطر خطاب به رسول اکرم می فرماید:

" اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيْرًا وَّ نَذِيْرًا وَّ اِنْ مِنْ اُمَّةٍ اِلَّا خَلَا فِيْهَا نَذِيْرٌ " (۱) یعنی: ما ترا مژده دهنده و بیم کننده برای مردم به حق و راستی فرستادیم و امّتی نیست که همچنین برای آنها بیم دهنده ای نفرستاده باشیم و در تأیید این آیه و تأکید آن در سوره رعد می فرماید: " اِنَّمَا اَنْتَ مَنذِرٌ وَّ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ " (۲) ای رسول خدا تو بیم دهنده ای و برای هر قومی راهنمایی مقرر است. سپس در سوره فاطر آیه ۲۳ از کیفیت رسالت و عکس العمل مردم خبر می دهد. می فرماید:

" و اِنْ يَكْذِبُوْكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رَسٰلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ وَّ بَا لَزِيْرٍ وَّ بِالْكِتٰبِ الْمُنِيْرِ " (ای پیامبر) اگر مردم ترا تکذیب می کنند پس به تحقیق رسولان پیش از ترا نیز تکذیب کردند با اینکه با آیات و بیّنات و کتاب روشن کننده آمده بودند. حتّی می فرماید: " و لَقَدْ اسْتَهْزَءَ يْ بِرَسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ " (۳) اگر ترا استهزاء می کنند غمگین مشو، زیرا که پیامبران قبل از ترا نیز استهزاء می نمودند. و آیه: " اِنْ يَكْذِبُوْكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ " در سوره فاطر برای توجّه بیشتر و تنبّه تکرار شده است. سپس می فرماید:

" فَلَنْ نَجِدَ لِسَنَةِ اللّٰهِ تَبْدِيْلًا ۚ وَّ لَنْ نَجِدَ لِسَنَةِ اللّٰهِ تَحْوِيْلًا ۚ " (۴) روش الهی در ارسال رُسل و وقایع و جریان آن هرگز تبدیل و تغییر نیابد.

اما راهنمایان الهی و پیامبران در گذشته هر کدام اختصاص به قومی و ملتی محدود و معین داشتند. چنانچه حضرت موسی را خداوند برای نجات قوم بنی اسرائیل مبعوث نمود و به او فرمود: "نزد فرعون برو و به وی بگو خداوند چنین می گوید: قوم مرا رها کن تا مرا عبادت کنند" (۱)

و نیز خدا به موسی فرمود: " ببین ترا بر فرعون خدا ساخته ام و برادرت هارون نی تو خواهد بود. هر آنچه به تو امر نمایم تو آن را بگو و برادرت هارون آنرا به فرعون باز گوید ، تا بنی اسرائیل را از زمین خود رهائی دهد. (۲)

در این آیه موسی فرستاده خدا، به جای خداست و در بین مردم و حضرت مسیح نیز فرمود: " فرستاده نشده ام مگر به جهت گوسفندان گم شده خاندان بنی اسرائیل " و در پاسخ زن کنعانیه که برای دخترش تقاضای شفا نمود، گفت: "خداوندا مرا یاری کن" در جواب گفت که: نان فرزندان را گرفتن و نزد سگان انداختن جایز نیست" (۳)

و نیز خداوند در سوره شوری خطاب به رسول اکرم می فرماید:
 " كَذَلِكَ اَوْحَيْنَا اليك قرآناً عر بياً لتنذر امّ القري و من حولها " (۴) می فرماید: ما قرآن را برای تو به عربی وحی کردیم تا مگه و پیرامونش را بیم دهی و هدایت نمائی.

۱- تورات سفر خروج ۱/۸ ۲- ایضاً، سفر خروج ۷/۱۰ و ۳- انجیل متی ۲۴/۱۵ ۴- قرآن ۴۲/۵

و در سوره یسّ می فرماید: "یسّ وَالْقُرْآنَ الْحَکِیْمَ اِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ ...
لِئِنْذَرَ قَوْمًا مَا اَنْذَرَ اَبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُوْنَ " (۱) یعنی: ای سید عالم، سوگند
به قرآن حکیم که تو از فرستادگان خدائی، تا بیم دهی آنانی را که پدرانشان بیم
داده نشده و بر ایشان پیامبری فرستاده نشده بود و غافلند.

و خطاب به حضرت موسی میفرماید: "وَمَا کُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ اِذْنا دِیْنَا و لکن
رَحْمَةً مِّن رَّبِّکَ لِئِنْذَرَ قَوْمًا مَا اَتِیَهُمْ مِّنْ نَّذِیْرٍ مِّنْ قَبْلِکَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَكَّرُوْنَ" (۲)
یعنی: و نبودى بجانب طور هنگامیکه ندا کردیم و لکن رحمتى است از پروردگار
تو تا بیم دهی آنانرا که قبل از تو بیم داده نشدند، شاید که ایشان پند گیرند.

و نیز پیامبر اسلام با یهود و نصاری معااهده دوستى و عدم تعرض با یکدیگر امضاء
نمودند و فرمودند: آنان خداپرستند و من برای هدایت بت پرستان عرب مبعوث
شده ام.

و در سوره شوری در باره آنان می فرماید:

" شَرَعَ لَکُم مِّنَ الدِّیْنِ مَا وَّصَّیْ بِهٖ نُوْحًا و الَّذِیْ اَوْحِیْنَا اِلَیْکَ و مَا وَّصَّیْنَا بِهٖ
اِبْرَاهِیْمَ و مُوسٰی و عِیْسٰی اِنْ اَقِیْمُوا الدِّیْنَ و لَا تَتَفَرَّقُوا فِیْهٖ کَبُرَ عَلٰی
الْمُشْرِکِیْنَ" (۳) یعنی خداوند آئین نهاد برای شما از دین آنچه وصیت کرد به آن،
نوح و آنچه وحی کردیم به تو و آنچه وصیت کردیم به آن ابراهیم و موسی و
عیسی را که بر پای دارید دین را و جدائی میفکنید در آن، گران آمد بر مشرکان،
می فرماید: همه آنان از جانب خدا وحی شده و جمیع دین واحدند و بین هیچیک
از آنها فرقی نمی گذاریم ((لَا نَفْرَقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِنْهُمْ)).

چنانچه در سوره بقره نیز موید بر این مطلب می فرماید: " قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا
 أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا أَلِيَّ اِبْرَاهِيمَ وَ اِسْمَاعِيلَ وَ اِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ اِلْاِسْبَاطَ وَ
 مَا اَوْتَيْنَا مُوسَى وَ عِيسَى وَ مَا اَوْتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نَفْرَقَ بَيْنَ اِحْدٍ
 مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱) ایمان به خدا و همه انبیا را توصیه می فرماید که
 بگوئید به آنان مومنین و بین هیچکدام از آنها فرقی نمیگذاریم و همگی خدا را
 فرمانبردار و مسلم هستیم. یعنی همه تسلیم امر و اراده الهی می باشیم.
 و چون خداوند در قرآن مجید ظهورات قبل و کتب آنها را تأیید و تصدیق فرموده
 است لذا استناد و استشهاد به هر سه کتاب مقدس: قرآن، تورات و انجیل می
 گردد.